

استقرارهای آغازین دوره هولوسن در منطقه کهگیلویه

احمد آزادی*؛ استادیار گروه پیش از تاریخ، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱

چکیده

جوامع انسانی، طی یک دوره چند هزارساله، از اواخر دوره پلیستوسن تا اوایل دوره هولوسن، توانستند شیوه معیشتی خود را که مبتنی بر شکارگری و گردآوری خوراک بود به کشاورزی و یکجانشینی تغییر دهند. این تحول شگرف، که از آن با عنوان فرایند نوسنگی گرای/ نوسنگی شدن نیز یاد می‌شود، یکی از مباحث مهم باستان‌شناسی دوره پیش از تاریخ است. در ارتباط با گستره جغرافیایی رخداد این تحول مهم، به طور کلی، توافقی عمومی درباره جنوب غرب آسیا بین پژوهشگران وجود دارد. پژوهش‌های اخیر در ارتفاعات زاگرس و کوه‌پایه‌های آن به کشف شواهد بسیار مهمی در ارتباط با فرایند نوسنگی گرای منجر شده و بار دیگر توجه پژوهشگران را به بخش‌های شرقی هلال حاصلخیزی معطوف ساخته است. پژوهش‌های باستان‌شناختی جدید در منطقه کهگیلویه، به منزله بخشی از ارتفاعات جنوبی زاگرس، و شناسایی شمار قابل توجهی از استقرارهای آغازین دوره هولوسن از پتانسیل‌های بالای این منطقه برای مطالعه فرایند نوسنگی گرای در این بخش از فلات ایران حکایت دارد. در بررسی‌های انجام‌شده در منطقه کهگیلویه شمار ۱۶ محوطه از استقرارهای آغازین دوره هولوسن شناسایی شده است. این استقرارها، از منظر ریخت‌شناسی نوع محوطه، در چهار گروه تپه‌ها (۵ تپه)، محوطه‌های باز (۸ محوطه)، پناهگاه‌های صخره‌ای (۲ پناهگاه)، و یک مورد غار طبقه‌بندی می‌شوند. در مجموع الگوهای استقرار و معیشتی این محوطه‌ها متأثر از چند عامل دشت، رودخانه، کوهستان، و تنگه‌هاست که نشان می‌دهد جوامع این دوره از همه پتانسیل‌های زیست‌محیطی این منطقه بهره برده‌اند. کلیدواژگان: زاگرس جنوبی، کهگیلویه، نوسنگی بی‌سفال، هولوسن.

مقدمه

یکی از موضوعات مهم، که بنیاد بسیاری از پژوهش‌های باستان‌شناسی را تشکیل می‌دهد، فرایند گذار از دوره شکارگری و گردآوری خوراک به دوره کشاورزی و یکجانشینی است. در چارچوبی کلی، در ارتباط با این فرایند گذار، که از آن به عنوان نوسنگی گرای/ نوسنگی شدن نیز یاد می‌شود، توافقی عمومی درباره جنوب غرب آسیا بین پژوهشگران وجود دارد. طی یک دوره چند هزارساله از اواخر دوره پلیستوسن تا اوایل دوره هولوسن (حدود ۱۳۰۰۰ تا ۷۰۰۰ پیش از میلاد) جوامع انسانی در این گستره پهناور از شیوه معیشت مبتنی بر شکارگری و گردآوری غذا به روستانشینی و کشاورزی روی آوردند (Matthews et al 2013: 1). این بازه زمانی، که تقریباً دربرگیرنده دوره آغازین هولوسن (هم‌زمان با نوسنگی آغازین/ نوسنگی بی‌سفال) است، بعدها بنیان بسیاری از تغییرات فرهنگی و تکنولوژیکی شد.

دانسته‌های ما از استقرارهای آغازین دوره هولوسن در فلات ایران در مقایسه با دیگر مناطق خاور نزدیک اندک است. با این حال، بیشتر آگاهی‌های ما از منطقه زاگرس و به‌ویژه بخش‌های مرکزی آن حاصل می‌شود. در این منطقه، کاوش‌های تپه گنج‌دره (Smith 1974, 1976, 1978)، تپه‌های آسیاب و سراب (Braidwood 1983; Braidwood et al 1960)، تپه عبدالحسین (Pullar 1990)، تپه گوران (Mortensen 1963)،

2014)، کاوش‌های اخیر تپه شیخی‌آباد در منطقه دین‌نور کرمانشاه (Matthews et al 2013)، و تپه چپاسبز شرقی در حوزه رودخانه سیمره (Darabi et al 2011) بیشترین مدارک را به دست می‌دهد.

از استقرارهای این دوره در جنوب غرب ایران آگاهی‌های ما به نتایج کاوش‌های محوطه چغابنوت در دشت شوشان (Alizadeh 2003)، نهشته‌های زیرین تپه‌های علی‌کُش (مرحله‌های بزم‌رده و علی‌کُش) (Hole et al 1969)، و کاوش‌های تپه چغاسفید (Hole 1977) در دشت دهلران و تپه چغاکلان (Nokandeh 2010, Zeidi et al 2012) در کوه‌پایه‌های دشت مهران محدود می‌شود. پژوهش‌های یک دهه اخیر در کوه‌پایه‌های شرقی دشت شوشان حاکی از آن است که این مناطق پتانسیل‌های بیشتری برای ردگیری استقرارهای قدیمی‌تر، یعنی فراپارینه‌سنگی و مراحل آغازین دوره نوسنگی، دارند (Niknami et al 2009).

در زاگرس جنوبی، به جز مناطقی از فارس و پژوهش‌های بسیار محدود در منطقه چهارم‌حال و بختیاری، آگاهی‌های ما از استقرارهای نوسنگی آغازین بسیار محدودتر است. در منطقه فارس، کاوش‌های هیئت مشترک ایران/ژاپن در چارچوب برنامه نجات‌بخشی تنگ بلاغی (Tsuneki & Zeidi 2008)، کاوش‌های غار سیده‌خاتون در آرسنجان (Tsuneki & Mirzaye 2012)، و کاوش‌های تپه رحمت‌آباد (Azizi kharanaghi et al 2013) مدارکی قطعی از حضور استقرارهایی از این دوره به دست داده است. از استقرارهای این دوره در منطقه چهارم‌حال و بختیاری آگاهی زیادی در دست نیست. افزون بر چند محوطه غاری و لایه‌های تحتانی محوطه قلعه‌رستم، که با احتمال به دوره نوسنگی بی‌سفال نسبت داده شده (زاگارل ۱۳۸۷: ۶۶ - ۶۹)، در نهشته‌های تحتانی تپه‌سراب دشت شهرکرد شواهدی از استقرار دوره نوسنگی بی‌سفال گزارش شده است (نوروزی ۱۳۸۸: ۱۶۵).

برخلاف دیگر مناطق زاگرس، که بیشتر مدارک مرتبط با فرایند نوسنگی‌گرایی از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده، آگاهی‌های بسیار اندک ما از حضور جوامع آغازین دوره هولوسن در منطقه کهگیلویه، که بخشی از زاگرس جنوبی به شمار می‌آید، بیشتر محدود به بررسی‌های باستان‌شناختی انجام‌شده در یک دهه اخیر بوده است (آزادی ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴؛ آزادی و قزلباش ۱۳۹۰). شناسایی شماری از استقرارهای مربوط به اوایل این دوره باعث شده اکنون دانسته‌های ما از منطقه کهگیلویه و در مقیاسی کلان‌تر در زاگرس جنوبی بیش از گذشته باشد و بتوان بر اساس آن تا حدودی روند تحولات این استقرارها را در این منطقه بررسی کرد.

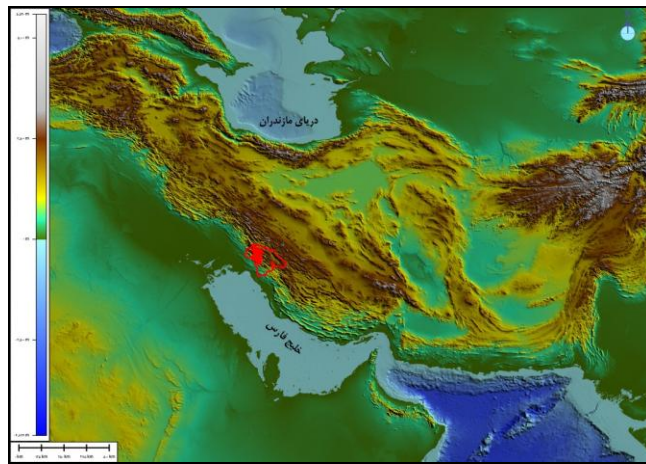
جغرافیای طبیعی و زیست‌محیط منطقه کهگیلویه

منطقه کهگیلویه به مرکزیت شهر دهدشت در جنوب غربی ایران و در بخش‌های غرب و شمال غرب استان کهگیلویه و بویراحمد واقع شده است (شکل ۱). ارتفاع تقریبی این منطقه از سطح آب‌های آزاد بین ۵۰۰ تا ۳۶۰۰ متر وجود دو گونه آب‌وهوای سردسیری و گرمسیری در این منطقه متأثر از این اختلاف ارتفاع است. بخش گرمسیر شامل مناطق کم‌ارتفاع تپه‌ماهوری‌شکل و دشت‌های کوچک جنوب شرقی و مرکزی کهگیلویه و قلمرو آب‌وهوای سردسیری به طور کلی مناطق شمالی را در بر می‌گیرد. کوهستان‌های این منطقه منطبق بر روند عمومی ساختار زاگرس و از شمال غرب به سوی جنوب شرق کشیده شده‌اند. از ارتفاعات مهم این منطقه می‌توان به کوه‌های قارون (مونگشت)، کوه نور، کوه‌های سفید و سیاه، ارتفاعات خائیز در بخش‌های غرب و جنوب غرب و ارتفاعاتی مانند دل‌آفروز، مُمبل، و کوه کلمه اشاره کرد. وجود چین‌خوردگی‌های موازی زاگرس در این منطقه به طور طبیعی باعث شکل گرفتن دشت‌های کوچک و بزرگ بین آن‌ها شده که از نظر پتانسیل‌های زیست‌محیطی یکی از قلمروهای محیطی بسیار مناسب برای شکل‌گیری استقرارهای انسانی در این منطقه است. این منطقه چند دشت کوچک به‌هم‌پیوسته با سیمایی تپه‌ماهوری - مانند دشت دهدشت، دشت چرام، دشت کلاچو، دشت سوق، دشت پَس‌پَر، دشت لنده، دشت لیر، دشت دیشموک - با ارتفاع بین ۵۰۰

تا ۱۷۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد دارد. این دشت‌ها را چند ارتفاع اصلی مانند کوه سیاه در بخش‌های شرق و شمال و شمال غرب، مُمبُل در بخش‌های شمالی، و کوه‌های خائیز در بخش‌های جنوب و غرب محصور کرده است. در برخی قسمت‌ها، حدفاصل دشت‌ها و این ارتفاعات، تپه‌ماهورها و کوه‌های کم‌ارتفاع‌تری، مانند کوه کرباسی در غرب شهر دهدشت و کوه‌های پاقبله و کَلایه در بخش‌های شمال غرب شهر چرام، وجود دارد؛ که از تفاوت‌های دشت‌های میان‌کوهی زاگرس در این منطقه با دشت‌های شاخصی مانند ماهی‌دشت در زاگرس مرکزی به شمار می‌آید. کوهستانی بودن بیشتر بخش‌های منطقه کُهگیلویه، به‌ویژه مناطق شمالی آن، باعث شده این منطقه از منابع آب به میزان فراوان برخوردار باشد. منابع آبی به شکل رودخانه دائمی و فصلی، چشمه‌ها، و نهرهای بسیار در سطح منطقه جاری است؛ که مهم‌ترین آن‌ها رودخانه‌های مارون، لیراب، رودریش، رودسِمَه، فارتیق، قلات، چرام، بَرَم مُرغابی، و بیمنجگان هستند.

استقرارهای شناسایی شده

در یک نگاه کلی، استقرارهای آغازین دوره هولوسن در منطقه کُهگیلویه، از منظر ریخت‌شناسی نوع محوطه، در چهار گروه تپه‌ها (۵ تپه)، محوطه‌های باز (۸ محوطه)، پناهگاه‌های صخره‌ای (۲ پناهگاه)، و یک مورد غار طبقه‌بندی می‌شوند. برای درک بهتر ویژگی‌های این استقرارها، آن‌ها ابتدا در گروه‌های خود به طور مجزا بررسی می‌شوند و سپس درباره الگوهای استقراری و معیشتی آن‌ها توضیحاتی می‌آید. با توجه به اینکه در معرفی و تاریخ‌گذاری محوطه‌های این دوره تأکید اصلی بر پایه دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی این محوطه‌هاست، در پایان ویژگی‌های دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی محوطه‌ها به طور خلاصه برشمرده می‌شود.



شکل ۱. موقعیت منطقه کُهگیلویه در نقشه فلات ایران

تپه‌ها

شمار تپه‌های متعلق به دوره نوسنگی بی‌سفال در منطقه کُهگیلویه ۵ تپه و شامل تپه بی‌بی‌زلیخایی (شکل ۲)، تپه توس‌خیمه، تُل بردی، تُل گودبَرَدَلَه، و تپه هَرار است.^۱ از نظر ارتفاع، پایین‌ترین محوطه تپه بی‌بی‌زلیخایی با ارتفاع ۶۷۴

۱. بر اساس شواهد سطحی، تپه‌های توس‌خیمه و گودبَرَدَلَه فقط متعلق به دوره نوسنگی بی‌سفال نیستند. بنابراین، تخمین تقریبی مساحت این محوطه‌ها در این دوره دشوار است. مساحت‌های اشاره‌شده برای این محوطه‌ها بر اساس شکل فیزیکی محوطه و پراکنش مواد فرهنگی سطحی آن‌ها به طور تقریبی برآورد شده است و بدیهی است که ندانیم چه میزان از این مساحت می‌تواند متعلق به دوره نوسنگی باشد.

متر و بلندترین محوطه تپه گودبرذله با ارتفاع ۱۵۸۶ متر از سطح آب‌های آزاد است. براساس پراکندگی سطحی دست‌ساخت‌های سنگی و دیگر مواد فرهنگی، مساحت این محوطه‌ها بین ۳/۵ (تپه توس خیمه) تا ۰/۵ هکتار (تل بردی) برآورد می‌شود. ضخامت نهشته‌های باستانی این محوطه‌ها بر اساس ریخت‌شناسی آن‌ها احتمالاً بین ۲ تا ۴ متر است. هرچند این احتمال قویاً وجود دارد که زیر سطح فعلی محوطه‌ها نهشته‌های باستانی تداوم داشته باشد.

از منظر چشم‌انداز زمین‌ریخت‌شناسی، محوطه‌های تپه‌های دوره نوسنگی بی‌سفال در منطقه کُهگیلویه در چشم‌اندازهای گوناگونی قرار دارند. تپه‌های بی‌زیلیخایی و توس خیمه در چشم‌انداز تپه‌ماهوری نزدیک به رودخانه مارون، تل بردی در بخش‌های شرقی دشت دهدشت، تپه هَرار در چشم‌انداز تپه‌ماهوری دامنه ارتفاعات کوه خائیز، و تپه گودبرذله در مناطق کوهستانی شمال کُهگیلویه قرار دارد. شکل‌گیری این استقرارها در چشم‌اندازهای متفاوت از قابلیت‌ها و پتانسیل‌های زیست‌محیطی این منطقه در جذب گروه‌های انسانی در این دوره حکایت دارد. به جز تل گودبرذله، که در بخش‌های تقریباً شمالی منطقه شکل گرفته است، تمرکز این تپه‌ها در نیمه تقریباً جنوبی منطقه کُهگیلویه، که اقلیمی گرمسیری دارد، به چشم می‌آید و در ارتفاعی تقریبی بین ۶۷۰ تا ۸۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد شکل گرفته‌اند.

همانند بسیاری از محوطه‌های باستانی، در شکل‌گیری استقرارهای نوسنگی بی‌سفال منطقه کُهگیلویه نیز نزدیکی به منابع آب یکی از فاکتورهای اصلی است. تپه هَرار و تل بردی در نزدیکی نهرهای هَرار و سور (شور) قرار گرفته و تل گودبرذله نیز در نزدیکی چشمه‌ای به همین نام شکل گرفته است. در این میان، تپه‌های بی‌زیلیخایی و توس خیمه، افزون بر دسترسی به نهر آب دوراهی و چشمه توف خیمه، در فاصله نه‌چندان دوری از رودخانه مارون (بین ۲ تا ۲٫۵ کیلومتری جنوب آن) قرار دارند و به احتمال قوی این رودخانه در شکل‌گیری این استقرارها نقش داشته است.



شکل ۲. نمای عمومی تپه بی‌زیلیخایی، دید از غرب

محوطه‌های باز

شمار محوطه‌های باز مربوط به دوره نوسنگی بی‌سفال ۸ محوطه و شامل محوطه‌های آورزگه، وارشارشی، تُراب، چَل شور، تنگ لا (شکل ۳)، دِه‌مکی، کوشک اَبول، و چَل بَن است. از نظر ارتفاع، محوطه‌های چَل شور و تنگ لا، به ترتیب، با ارتفاعی در حدود ۵۹۹ و ۱۰۳۶ متر از سطح آب‌های آزاد، در پایین‌ترین و بالاترین نقاط ارتفاعی قرار دارند. بر اساس پراکندگی سطحی دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی و دیگر مواد فرهنگی، محوطه دِه‌مکی با ۳/۴ هکتار بزرگ‌ترین محوطه و محوطه آورزگه با ۰/۲۵ هکتار کوچک‌ترین محوطه است. به جز محوطه‌های چَل شور و تُراب، که بر سطح آن‌ها بقایای آثار معماری سنگی از دوران اسلامی دیده می‌شود، دیگر محوطه‌ها فقط شامل پراکندگی سطحی دست‌ساخت‌های

تراشه‌سنگی هستند. تمرکز این محوطه‌ها تقریباً در بخش‌های مرکزی کُهگیلویه به چشم می‌خورد که از نظر آب‌وهوایی در ناحیه گرمسیری منطقه قرار می‌گیرند.

از منظر زمین‌ریخت‌شناسی، همانند تپه‌های این دوره، محوطه‌های باز نیز در چشم‌اندازهای متفاوتی قرار گرفته‌اند. محوطه‌های آورزگه و تُراب و چَل شور در چشم‌انداز تپه‌ماهوری حاشیه و نزدیک به رودخانه مارون و محوطه‌های وارشارشی، دِه‌مکی، کوشک اَبول، و تنگ لا در دامنه ارتفاعات و در چشم‌اندازی کوهستانی شکل گرفته‌اند. بر اساس الگوی شکل‌گیری این محوطه‌ها، به نظر می‌رسد فاکتور اصلی در شکل‌گیری محوطه‌های آورزگه، تُراب، چَل شور، و تنگ لا نزدیکی به منابع اصلی آب مانند رودخانه مارون و رود شور و در سایر محوطه‌ها، افزون بر نزدیکی چشمه‌ها، نزدیکی به ارتفاعات و استفاده از منابع آن بوده است.



شکل ۳. نمای عمومی محوطه باز تنگ لا، دید از شمال

پناهگاه صخره‌ای و غار

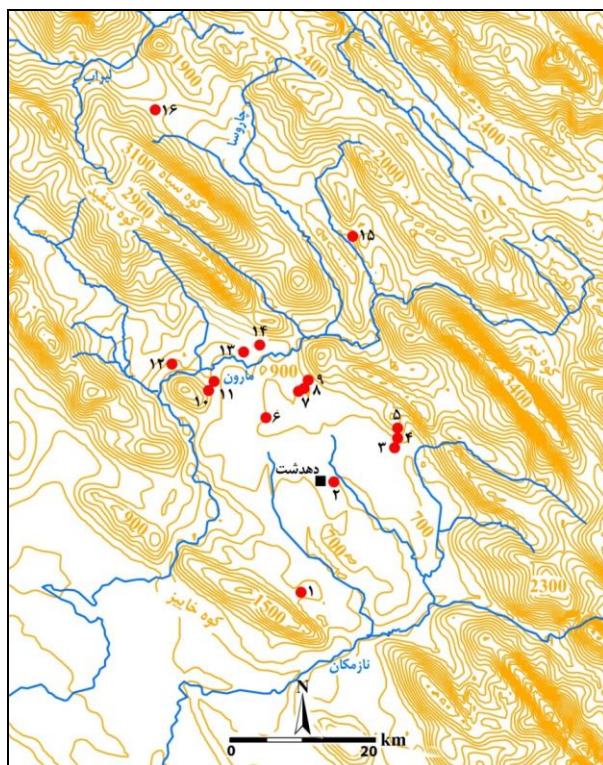
از این دوره دو پناهگاه صخره‌ای به نام‌های بندی ۱ و ۲ و یک غار به نام اشکفت بندی ۱ (شکل ۴) شناسایی شده که در ارتفاعی در حدود ۹۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد قرار دارند. این محوطه‌ها در چشم‌انداز کوهستانی بخش‌های تقریباً جنوب شرقی منطقه کُهگیلویه و در سمت چپ تنگه‌ای به نام کورخانه قرار دارند. مساحت این محوطه‌ها بین ۶ (اشکفت بندی) تا ۱۰۰ متر مربع (پناهگاه بندی ۲) برآورد شده و جهت دهانه همه آن‌ها رو به شرق است.



شکل ۴. نمای عمومی اشکفت بندی ۱، دید از جنوب شرق

الگوهای استقرار و معیشتی^۱

همان‌طور که اشاره شد، استقرارهای آغازین دوره هولوسن ۱۶ محوطه را شامل می‌شود. در مجموع الگوهای استقراری این محوطه‌ها متأثر از چند عامل دشت، رودخانه، کوهستان، و تنگه است. از این محوطه‌ها، ۱ محوطه (تُل بُردی) در دشت دهدشت، ۵ محوطه (تپه بی‌بی‌زلیخایی، تپه توس خیمه، محوطه آوززگه، محوطه تُراب، محوطه چَل شور) در حاشیه رودخانه مارون و چشم‌انداز نزدیک به آن، ۶ محوطه (وارشارشی، ده‌مکی، کوشک آبول، چَل بِن، گودبَرذله، تپه هَرار) در مناطق کوهستانی، و ۴ محوطه (پناهگاه‌های صخره‌ای بندی ۱ و ۲، اشکفت بندی ۱، محوطه تنگ لا) در داخل و دهانه تنگه‌های کورخانه و تنگ یار شکل گرفته‌اند (شکل ۵).



شکل ۵. نقشه پراکندگی استقرارهای آغازین دوره هولوسن در منطقه کُهِگیلویه؛ ۱. تپه هَرار، ۲. تُل بُردی، ۳. اشکفت بندی ۱، ۴. پناهگاه صخره‌ای بندی ۱، ۵. پناهگاه صخره‌ای بندی ۲، ۶. محوطه وارشارشی، ۷. محوطه کوشک آبول، ۸. محوطه چَل بِن، ۹. محوطه ده‌مکی، ۱۰. تپه توس خیمه، ۱۱. تپه بی‌بی‌زلیخایی، ۱۲. محوطه چَل شور، ۱۳. محوطه آوززگه، ۱۴. محوطه تُراب، ۱۵. محوطه تنگ‌لا، ۱۶. تُل گودبَرذله

به این ترتیب، به نظر می‌رسد در این دوره دشت‌های این منطقه چندان مورد توجه نبوده است؛ به طوری که می‌بینیم تنها محوطه تُل بُردی در دشت دهدشت شکل گرفته است و در مقابل دشت‌ها مناطق کوهستانی وجود دارد که بیشترین استقرارها را در خود جای داده است. به نظر می‌رسد دسترسی به منابع کوهستان دلیل عمده این چشم‌انداز برای شکل‌گیری استقرارهاست. بین محوطه‌هایی که در چشم‌انداز کوهستان قرار گرفته‌اند تپه هَرار موقعیتی ویژه دارد. این

۱. شایان اشاره است که در تحلیل الگوی معیشتی محوطه‌های این دوره، در نبود داده‌های مستقیم (بقایای گیاهی و جانوری)، که از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست می‌آیند، از داده‌های غیرمستقیم - مانند موقعیت مکانی استقرارها، دست‌ساخته‌های تراشه‌سنگی، مانند ابزارهای ترکیبی و مواردی از این قبیل، هاون‌های سنگی که احتمالاً در این دوره مرتبط با فرآوری غلات و دانه‌های گیاهی می‌توانند باشند - سود برده شد.

محوطه افزون بر دسترسی به منابع آبی چشمه هَرار در شمال شرق تپه و نهر هَرار، که از گوشه غربی و شمالی محوطه می‌گذرد، در دامنه ارتفاعات کوه خائیز قرار دارد. ارتفاعات خائیز امروزه به دلیل وجود حیواناتی مانند گِل و بز وحشی و حیوانات دیگر در زمره مناطق حفاظت‌شده‌اند. با وجود چنین شرایطی در زمان حال، بدیهی است که ارتفاعات خائیز در گذشته نیز از منابع غنی جانوری برخوردار بوده باشد که به احتمال بسیار زیاد دلیل اصلی شکل‌گیری این محوطه دسترسی ساده به منابع ارتفاعات خائیز بوده است.

بر اساس شواهد، بعد از کوهستان‌ها، حاشیه رودخانه مارون و چشم‌انداز تپه‌ماهوری نزدیک به این رودخانه دومین چشم‌انداز مورد توجه گروه‌های انسانی دوره آغازین هولوسن است. همان‌طور که اشاره شد، ۵ محوطه در حاشیه رودخانه مارون شکل گرفته است. از این ۵ محوطه ۲ محوطه تَراب و چَل‌شور دقیقاً در حاشیه این رودخانه و ۳ محوطه تپه توس‌خیمه و تپه بی‌بی‌زلیخایی و محوطه آورزگه در فاصله‌ای نه‌چندان دور و بین ۷۰۰ متری تا ۲/۵ کیلومتری این رودخانه قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد فاصله اندک این سه محوطه از رودخانه مارون، به دلیل انتخاب موقعیتی بین رودخانه و ارتفاعات دستاپس و دژکوه، به ترتیب، برای محوطه آورزگه و تپه‌های بی‌بی‌زلیخایی و توس‌خیمه برای دسترسی به منابع این ارتفاعات و البته آبیان رودخانه مارون بوده است.

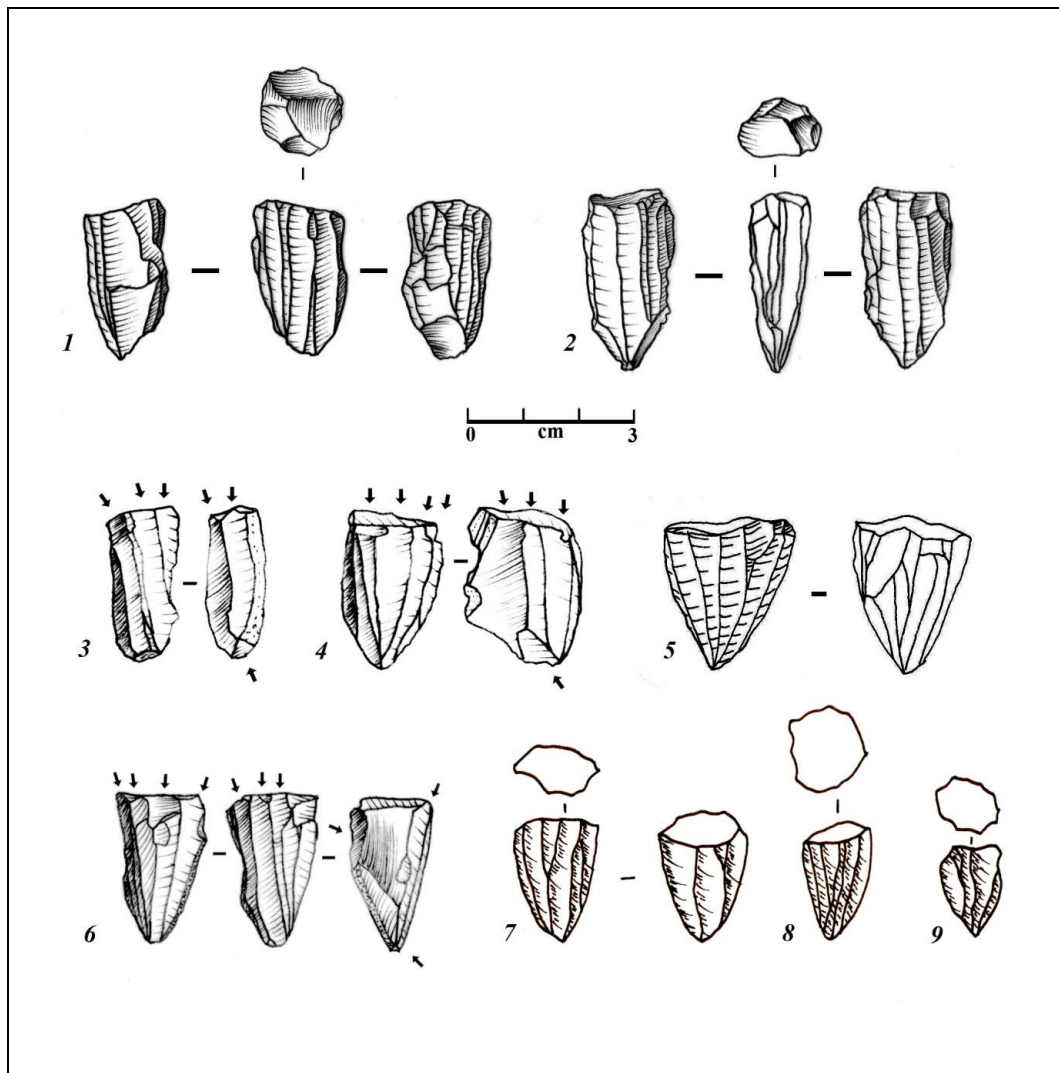
پس از کوهستان و رودخانه، تنگ‌ها یکی دیگر از چشم‌اندازهای مورد علاقه اجتماعات این دوره است. تنگ‌های کورخانه و یار دو تنگ‌های هستند که ۴ استقرار این دوره در آن‌ها شکل گرفته است. محوطه تنگ لا در نزدیکی دهانه تنگ یار و پناهگاه‌های صخره‌ای بندی ۱ و ۲ و اشکفت بندی ۱ در سوی غربی تنگ کورخانه واقع شده‌اند. به نظر می‌رسد موقعیت ویژه‌ای که این تنگ‌ها برای عبور گله‌های وحشی می‌توانسته‌اند داشته باشند در انتخاب آن‌ها برای استقرار نقش اساسی داشته است. انتخاب این مکان‌ها احتمالاً در ارتباط با موقعیت راهبردی آن‌ها در به دام انداختن و شکار حیواناتی مانند بز کوهی بوده است. از میان دو تنگ‌ای که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، تنگ کورخانه موقعیتی ویژه دارد. این تنگ در بخشی از گذرگاه طبیعی چرام - ضرغام‌آباد واقع شده و به آسانی می‌توان به منابع دشت‌های چرام و کلاچو دسترسی داشت.

دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی

همانند بیشتر محوطه‌های نوسنگی بی‌سفالی، که در بررسی‌های باستان‌شناختی شناسایی می‌شوند، دلیل اصلی ما در انتساب این محوطه‌ها به دوره پیش‌گفته بر پایه دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی است. سنگ‌های استفاده‌شده در دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی محوطه‌ها همگی از خانواده سنگ‌های سیلیسی و احتمالاً از جنس سنگ چرت و فلینت هستند و طیف‌های رنگی مختلف دارند؛ از جمله قهوه‌ای، قرمز، قرمز تیره، خاکستری، زرد تیره، و سبز. به نظر می‌رسد منابع خام برای ساخت دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی بیشتر برون‌زدهای کنگلومرای بختیاری و قله‌های چرت رودخانه‌ای است. مثلاً، نزدیکی رودخانه مارون و نهر دره دوراهی به محوطه‌هایی مانند تپه بی‌بی‌زلیخایی و تپه توس‌خیمه و محوطه‌های آورزگه و تَراب و چَل‌شور باعث شده احتمالاً برای ساخت بخشی از دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی این محوطه‌ها از قله‌سنگ‌های چرتی بستر این رودخانه‌ها و برون‌زدهای کنگلومرای محیط پیرامون استفاده شده باشد. بدیهی است منابع استفاده‌شده در دست‌ساخت‌های سایر محوطه‌ها، که از منابع چرت رودخانه‌ای فاصله دارند، را باید در کوهستان‌های اطراف آن‌ها جست‌وجو کرد. در یک نگاه کلی، از نظر ساختار فناورانه، دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی به چهار گروه اصلی دسته‌بندی می‌شوند (جدول ۱). این چهار گروه عبارت‌اند از سنگ‌مادرها و قطعات آن، برداشته‌ها، ابزارها، و دورریزها که در ادامه شرح مختصری از سه گروه اول می‌آید.

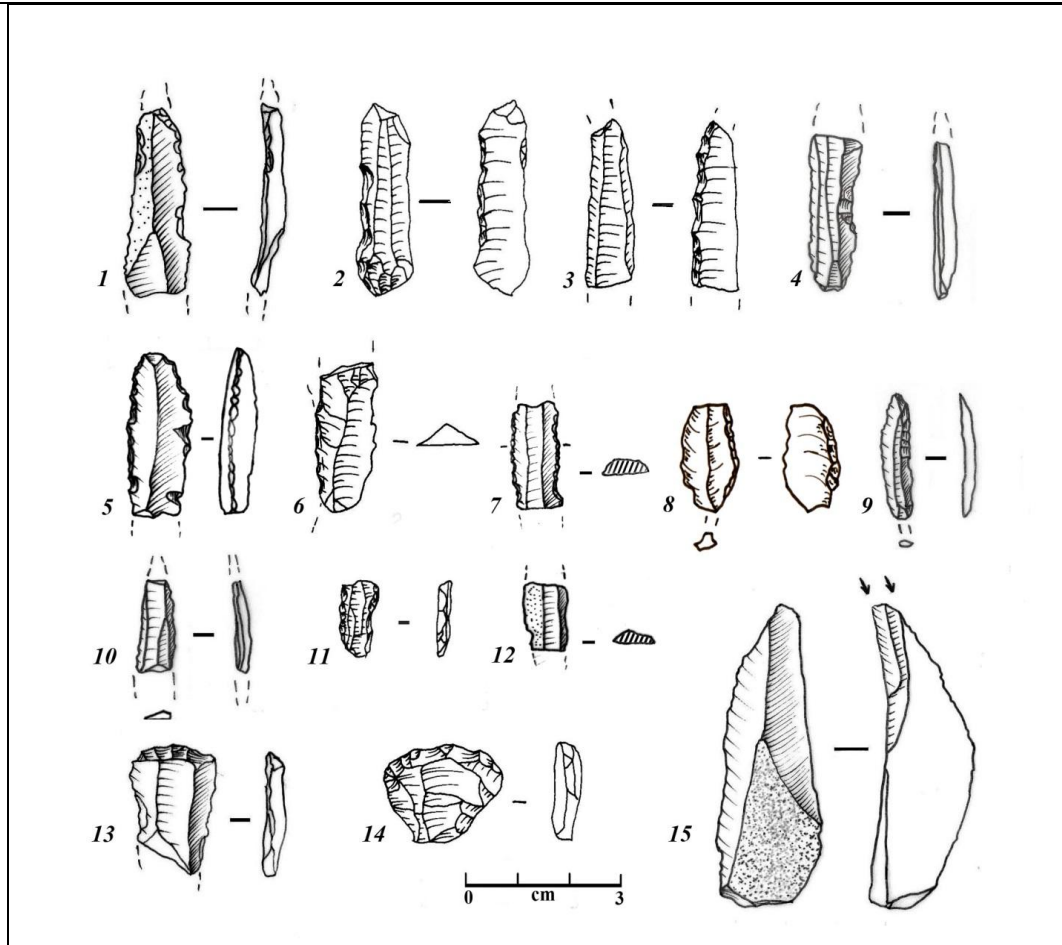
سنگ‌مادرها بیشتر شامل سنگ‌مادرهای ریزتیغه است که در برخی محوطه‌ها، مانند تپه‌های بی‌بی‌زلیخایی و هَرار و تُل‌بَرَدی، شمار قابل توجهی از آن‌ها سنگ‌مادرهای ریزتیغه فشنگی هستند (شکل ۶). سنگ‌مادرهای فشنگی با

تکنیک‌های فشاری و قلمی برداشت شده‌اند و برخی از آن‌ها تک‌سکویی و برخی دیگر دوسکویی‌اند که هم با شیوه مستقیم و هم با شیوه غیرمستقیم برداشت شده‌اند. شماری از این سنگ‌مادرها سکوی ضربه ساده و شماری دیگر سکوی ضربه کار شده دارند. رویه برخی از این سنگ‌مادرها کاملاً برداشت شده و بخشی از رویه شماری دیگر کار نشده باقی مانده است. گروه‌های دیگر سنگ‌مادرها سنگ‌مادرهای ترکیبی (سنگ‌مادر تیغه و تراشه و سنگ‌مادر ریزتیغه و تراشه) و سنگ‌مادرهای تراشه هستند.



شکل ۶. منتخبی از سنگ‌مادرهای ریزتیغه

ابزارها اصلی‌ترین گروه دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی محوطه‌ها هستند (شکل ۷). برخی از این ابزارها شامل ریزتیغه‌ها و تیغه‌ها و تراشه‌های روتوش شده با روتوش‌های ظریف متناوب و غیرمتناوب و گاهی با روتوش‌های معکوس، ابزارهای کنگره‌دار روی تراشه، ریزتیغه و تیغه، ابزارهای کولدار روی تراشه و ریزتیغه، ریزتیغه جلا دار، خراشنده انتهایی در قالب تیغه، خراشنده انتهایی روی تراشه، ابزار دندان‌دار روی تیغه، ریزتیغه و تراشه، سوراخ‌کننده با قالب اصلی ریزتیغه و تیغه و ریزتیغه‌های استفاده شده است.



شکل ۷. منتخبی از ابزارهای محوطه‌های شناسایی شده؛ ۱. ریز تیغه با روتوش پراکنده در لبه‌های جانبی و روتوش پیوسته در انتهای فوقانی، ۲. ریز تیغه با روتوش پراکنده در یک لبه و روتوش معکوس در لبه دیگر، ۳. ریز تیغه با روتوش معکوس، ۴. ریز تیغه گنجره‌دار، ۵. ریز تیغه با روتوش غیرمتناوب در هر دو لبه، ۶. ریز تیغه با روتوش پیوسته روی یک لبه، ۷. ریز تیغه با روتوش پیوسته روی دو لبه، ۸. ریز تیغه با روتوش پیوسته روی یک لبه و روتوش معکوس روی لبه دیگر، ۹. ریز تیغه با روتوش ریز پیوسته در یک لبه ۱۰. ریز تیغه کولدار، ۱۱. ریز تیغه با روتوش پیوسته روی دو لبه، ۱۲. ریز تیغه با روتوش پراکنده، ۱۳. خراشنده انتهایی با قالب اصلی تیغه، ۱۴. خراشنده انتهایی روی تراشه، ۱۵. اسکنه ساده روی تراشه

برداشته‌ها گروه دیگر دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی مجموعه‌های گردآوری شده از سطح محوطه‌های این منطقه‌اند. این گروه شامل ریز تیغه‌ها و تیغه‌های کامل و شکسته، تراشه‌های ساده، و تراشه‌های حاصل اصلاح سکوی ضربه سنگ‌مادر ریز تیغه هستند. در برخی محوطه‌ها، مانند تپه بی‌زیلیخایی و تل بردی و تپه هَرار، ریز تیغه‌ها شمار قابل توجهی را شامل می‌شوند. در این محوطه‌ها طول ریز تیغه‌های کامل حدود ۲۵ میلی‌متر و عرض آن‌ها حدود ۸ میلی‌متر است. تعداد بر در سطح پشتی این ریز تیغه‌ها از یک تا چهار بر متغیر و بیشتر آن‌ها دو بر و سه بر و شمار کمتری نیز یک بر و چهار برند.

جدول ۱. ساختار فناوریانه دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی محوطه‌های شناسایی شده

نام محوطه	شماره محوطه	سنگ‌مادر / قطعات سنگ‌مادر	برداشته‌ها	ابزارها	دورریزها	تعداد
تپه بی‌زیخایی	۱۲۰	٪۱۴	٪۶۶	٪۱۴	٪۶	۵۶۴
تپه توس خیمه	۱۲۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	٪۱۰۰	۱۹
محوطه آوزرگه	۱۴۴	٪۳۰	٪۴۵	٪۱۵	٪۱۰	۲۰
محوطه وارشارشی	۱۴۶	٪۶	٪۵۰	٪۴۴	۰/۰۰	۱۶
پناهگاه صخره‌ای بندی ۱	۲۶۹	٪۴۷	٪۳۵	٪۱۸	۰/۰۰	۱۷
پناهگاه صخره‌ای بندی ۱	۲۷۰	٪۶	٪۴۴	٪۳۹	٪۱۱	۱۸
اشکفت بندی ۱	۲۷۱	٪۹	٪۶۵	٪۲۶	۰/۰۰	۲۳
تل بردی	۳۱۷	٪۵۱	٪۳۵	٪۱۳	٪۱	۹۵
محوطه تُراب	۳۳۳	٪۵۴	٪۸	٪۳۸	۰/۰۰	۱۳
محوطه چل شور	۴۷۶	٪۵۵	٪۱۲	٪۳۳	۰/۰۰	۹
محوطه تنگ لا	۵۳۴	٪۱۴	٪۲۵	٪۶۱	۰/۰۰	۲۸
محوطه ده‌مکی	۶۴۹	٪۱۴	٪۴۳	٪۴۳	۰/۰۰	۲۸
محوطه کوشک آبول	۷۰۱	٪۸	٪۳۵	٪۴۶	٪۱۱	۲۶
محوطه چل بن	۷۰۲	٪۲۸	٪۱۴	٪۵۸	۰/۰۰	۲۹
تپه گود بردله	۷۷۲	٪۸	٪۷۸	٪۱۴	۰/۰۰	۳۷
تپه هَرار	۸۷۷	٪۲۸	٪۶۳	٪۷	٪۲	۶۷

نتیجه

با توجه به شواهد موجود، بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با فرایند نوسنگی‌گرایی در فلات ایران در منطقه زاگرس و به‌ویژه در بخش‌های مرکزی آن، در مناطقی مانند کرمانشاه و لرستان، انجام شده است. در جنوب غربی ایران، اما، این پژوهش‌ها در مناطق مهمی مانند دشت‌های مهران و دهلران و خوزستان انجام گرفته و نتایج درخور توجهی داشته است. وجود وقفه زمانی بین استقرارهای دوره فراپارینه‌سنگی تا دوره نوسنگی باسفال تا پیش از پژوهش‌های جدید طی دهه اخیر در منطقه زاگرس جنوبی و به‌ویژه در فارس باعث شده بود برخی باستان‌شناسان تصور کنند معیشت مبتنی بر تولید غذا از مناطق دیگر به زاگرس جنوبی رسیده است (← Potts et al 2006: 183-186). کشف شواهدی مهم از استقرارهای اوایل دوره هولوسن در این منطقه (← Tsunki & Zidi 2008; Azizi Karanaghi et al 2013) باعث شد اکنون پژوهشگران با دقت بیشتری به دنبال شواهد گذار از دوره فراپارینه‌سنگی به دوره نوسنگی در این بخش از زاگرس باشند.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، منطقه کُهگیلویه نیز در زاگرس جنوبی واقع شده است. چشم‌اندازهای گوناگون زیست‌محیطی و پتانسیل‌های بالقوه این منطقه و نیز بررسی‌های باستان‌شناختی انجام‌شده در آن همگی حکایت از اهمیت منطقه کُهگیلویه برای پژوهش‌های مرتبط با دوره نوسنگی و فرایند نوسنگی‌گرایی دارد. پیش‌تر اشاره شد که از بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کُهگیلویه ۱۶ محوطه مربوط به دوره نوسنگی آغازین شناسایی شده است (شکل ۵). اصلی‌ترین دلیل ما برای انتساب این محوطه‌ها به این دوره نبود سفال‌های دوره نوسنگی بر سطح آن‌ها و وجود سنگ‌مادرهای ریزتیغه و به‌ویژه سنگ‌مادرهای ریزتیغه فشنگی و دیگر دست‌ساخت‌های تراشه‌سنگی از جمله ریزتیغه‌هاست که به میزان‌های مختلف بر سطح این محوطه‌ها یافت شده است. همان‌طور که می‌دانیم، وجود ریزتیغه‌ها و سنگ‌مادرهای با تکنیک فشاری در برخی از محوطه‌های آغاز نوسنگی، مانند شیخی‌آباد (Matthews et al 2013) و

چنگاگان (Zeidi et al 2012) و غار حاجی بهرامی (Tsunki & Zeidi 2008) و برخی از محوطه‌های منطقه بختیاری (زاگارل ۱۳۸۷)، گزارش شده است.^۱ بدیهی است انتساب دست کم شماری از محوطه‌های منسوب به این دوره در منطقه کُهگیلویه را باید با احتیاط تلقی کرد و ممکن است در پژوهش‌های دقیق‌تر و به‌ویژه با کاوش‌های باستان‌شناسی این موضوع تأیید یا رد شود.

شرایط اقلیمی و بستر زیست‌محیطی محوطه‌هایی مانند تپه بی‌زیلیخی و تپه توس‌خیمه، که در بستر یک دره به‌نسبت باز و نزدیک به رودخانه مارون شکل گرفته‌اند، تل بردی، که در دشت به‌نسبت حاصلخیز دهدشت به وجود آمده، تپه هَرار، که در دامنه ارتفاعات خائیز شکل گرفته، و تل گودبَرذله، که در بخش‌های کوهستانی شمال کُهگیلویه به وجود آمده، همگی به نوعی دارای مشابهت‌های زیست‌محیطی با محوطه‌هایی هستند که استقرارهای آغاز نوسنگی در آن‌ها شکل گرفته است. با توجه به این شباهت‌ها و نیز دست‌ساخته‌های تراشه‌سنگی گردآوری شده از سطح آن‌ها، احتمالاً بتوان ساکنان برخی از این محوطه‌ها را، تا انجام گرفتن کاوش‌های باستان‌شناختی، در گروه جوامع کوچکی بدانیم که شکل آغازین معیشت مبتنی بر کشاورزی^۲ را تجربه می‌کرده‌اند و الگوی معیشتی آنان در دشت‌ها و مناطق کوهستانی با توجه به چشم‌انداز زمین‌ریخت‌شناسی منطقه به شکل استفاده از منابع موجود در کوهستان‌های اطراف، مانند شکار حیوانات و گردآوری گیاهان خودرو، و نیز استفاده از منابع آبی (رودخانه‌ها)، مانند صید ماهی و دیگر آبزیان، بوده است. از یافته‌های مهم موجود در مجموعه سطحی محوطه‌های تل گودبَرذله یک ریزتیغه از جنس سنگ اُسیدین است. می‌دانیم که مهم‌ترین منابع اُسیدین خاورمیانه در آناتولی و قفقاز قرار دارد؛ ضمن اینکه منابع کوچک‌تری نیز در جنوب یمن و جزایر دریای سرخ شناسایی شده و شاید برخی نقاط در ایران نیز دارای چنین منابعی باشد که باید بررسی‌های بیشتری در این زمینه انجام گیرد (Abdi 2004: 148). یافته‌های اُسیدین در محوطه‌های باستانی در مناطق مختلف فلات ایران بیشتر از دوره نوسنگی تا مس و سنگ گزارش شده است. افزون بر محوطه‌های زاگرس مرکزی، در جنوب غرب ایران در محوطه‌هایی مانند تپه‌های علی‌کُش، چغابنوت، چغامیش، تپه سبز بهبهان، و چند محوطه دیگر و در زاگرس جنوبی به‌ویژه در حوزه رود کُر قدیمی‌ترین مرحله یک‌جانشینی در دوره موشکی، تل بَشی، کوشک‌هزار، و جری و در منطقه بختیاری در محوطه قلعه‌رستم یافته‌های اُسیدین گزارش شده است (Abdi 2004: 150). اُسیدین یافت‌شده در محوطه گودبَرذله، افزون بر اینکه ممکن است اهمیت گاه‌شناختی داشته باشد، از این جهت حائز اهمیت است که می‌تواند دلیلی بر وجود ارتباط بین ساکنان منطقه کُهگیلویه با مناطق دوردست باشد.

در پایان شایان اشاره است که در سطح چند محوطه، از جمله تپه بی‌زیلیخی و تپه هَرار، چندین هاون سنگی و سنگ‌ساب وجود دارد که کارکرد آن‌ها احتمالاً برای آماده‌سازی مواد غذایی بوده است. درباره قدمت این هاون‌ها نمی‌توان با اطمینان سخن گفت، اما با توجه به نمونه‌های یافت‌شده از محوطه‌های هم‌زمان (Nokandeh 2010; ← Zeidi et al 2012) می‌توان آن‌ها را به دوره نوسنگی نسبت داد.

منابع

آزادی، ا. (۱۳۸۶). «بررسی باستان‌شناختی منطقه لیکک به‌مئی، کُهگیلویه»، نامه پژوهشگاه، ش ۲۰ و ۲۱، تهران، صص ۱۰۵ - ۱۲۰.

۱. سنگ مادرهای با تکنیک فشاری در بسیاری از محوطه‌های نوسنگی فلات ایران، و به طور کلی خاور نزدیک، گزارش شده است. بدیهی است در اینجا فقط به شمار کمی از این محوطه‌ها اشاره شده است.
۲. ریزتیغه‌های جلادار و ریزتیغه‌های کولدار موجود در مجموعه‌های گردآوری شده از سطح محوطه‌هایی مانند محوطه بی‌زیلیخی که مرتبط با ابزارهای ترکیبی و احتمالاً برای شکار و بُرش ساقه‌های غلات هستند تا حدودی این موضوع را تأیید می‌کند.

- _____ (۱۳۸۷). گزارش بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کُهگیلویه، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- _____ (۱۳۸۸). گزارش فصل دوم بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کُهگیلویه (آبان و آذر ۱۳۸۷)، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- _____ (۱۳۸۹). گزارش فصل سوم بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کُهگیلویه (آبان و آذر ۱۳۸۸)، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- _____ (۱۳۹۲). «تپه بی‌بی‌زلیخایی؛ محوطه‌ای نویافته از دوره نوسنگی بی‌سفال در منطقه کُهگیلویه، زاگرس جنوبی»، *باستان‌شناسی ایران*، ۳: صص ۱۹ - ۳۱.
- _____ (۱۳۹۳). «فصل چهارم بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کُهگیلویه»، مقاله‌های کوتاه دوازدهمین گردهم‌آیی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، صص ۲۹ - ۳۱.
- _____ (۱۳۹۴). «گزارش مقدماتی بررسی‌های باستان‌شناختی خط لوله انتقال آب سد کوثر، کُهگیلویه»، گزارش‌های چهاردهمین گردهم‌آیی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، صص ۳۲ - ۳۵.
- آزادی، ا. و قزلباش، ا. (۱۳۹۰). «معرفی مکان‌های نویافته دوره نوسنگی در منطقه کُهگیلویه»، *باستان‌شناسی و تاریخ*، ۴۸: صص ۳ - ۱۶.
- زاگارل، آ. (۱۳۸۷). *باستان‌شناسی پیش از تاریخ منطقه بختیاری: ظهور شیوه زندگی در ارتفاعات*. ترجمه کوروش روستایی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری.
- نوروزی، ع. (۱۳۸۸). «مطالعات باستان‌شناسی در حوضه آب‌خیز کارون شمالی (چهارمحال و بختیاری)»، *مطالعات باستان‌شناسی*، ۲: صص ۱۶۱ - ۱۷۵.

- Abdi, K. (2004). "Obsidian in Iran from the Epipalaeolithic Period to the Bronze Age". Stöllner, T. Slotta, S., and Abdolrasool Vatandoost. (eds.), pp. 140- 147. *Persiens Antike Pracht: Katalog der Ausstellung des Deutscher Bergbau-Museum Bochum.*, Bochum: Bergbau Museum of Bochum.
- Alizadeh, A. (2003). *Excavations at the Prehistoric Mound of Chogha Bonut, Khuzestan, Iran, Seasons 1976/77, 1977/78, and 1996*. Oriental Institute Publications Series No. 120, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Azizi Kharanaghi, H., Fazeli Nashli, H., & Nishiaki, Y. (2013). "Tepe Rahmatabad: A Pre-Pottery and Pottery Neolithic Site Fars Province". Matthews, R. and Fazeli Nashli, H. (eds.), pp. 108-123. *The Neolithisation of Iran, The Formation of New Societies*, Oxbow Books, Oxford.
- Braidwood, R. J. (1960). Seeking the worlds First Farmers in Persian Kurdistan. *Illustrated London News*, 22: pp. 695- 97.
- Braid wood, L. S., Braid wood, R. J., Howe, B., Reed, C. A., & Watson, P. J. (eds.), (1983). *Prehistoric Archaeology Along the Zagros Flanks*. OIP 105, University of Chicago Press, Chicago.
- Darabi, H., Naseri, R., Young, R., & Fazeli Nashli, H. (2011). "The absolute chronology of East Chia Sabz: a Pre-pottery Neolithic site in Western Iran". *Dacumenta Praehistorica XXXVIII*: pp. 255- 265.
- Hole, F., Flannery, K., & Neely, J. A. (1969). *Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain*. Memoirs of the Museum of Anthropology, University of Michigan, 1, Museum of Anthropology, University of Michigan, Ann Arbor.
- Hole, F. (1977). *Studies in the Archaeological History of the Deh Luran Plain: the Excavation of Chogha sefid*. Memoirs of the Museum of Anthropology, University of Michigan, 9, Museum of Anthropology, University of Michigan, Ann Arbor.
- Matthews, R., Matthews, W., & Mohammadifar, Y. (eds.), (2013). *The Earliest Neolithic of Iran: 2008 Excavations at Sheikh-e Abad and Jani*. Central Zagros Archaeological Project, CZAP Reports Volume 1, The British Institute of Persian Studies, Archaeological Monographs Series IV. Oxford and Oakville: Oxbow Books.
- Mortensen, P. (1963). "Early Village Occupation: Excavations at Tepe Guran, Luristan". *Acta rchaeologica* 34: pp. 110-21.
- Mortensen, P. (2014). *Excavation at Tepe Guran the Neolithic Period*. Acta Iranica 55.
- Niknami, K., Jayezi, M., & Salahshour, N. (2009). "New Epipaleolithic-Protoneolithic Sites on the Izeh Plain, South-Western Iran". *Antiquity*, Project Gallery, Vol. 33(321).
- Nokandeh, J. (2010). "Archaeological Survey in the Mehran Plain, South Western Iran". Matthiae, P.

- Pinnock, F. Lorenzo Nigro, L. and Marchetti, N. (eds.). pp. 483-509. *Proceedings of the 6th International Congress on the Ancient Near East, May, 5th – 10th 2008, "Sapienza", Universita di Roma, Volume 2: Excavations, Surveys, and Restorations: Reports on Recent Field Archaeology in the Near East*, Wisbaden, Harrassowitz Verlag.
- Potts, D. T. & Roustaei, K. (eds.). (2006). *The Mamasani Archaeological Project, Stage One: A Report on the First Two Seasons of the ICAR- University of Sydney Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran*. Iranian Center for Archaeological Research, Tehran.
- Pullar, J. (1990). *Tepe Abdul Hosein, a Neolithic Site in Western Iran*. Oxford, England.
- Smith, P. E. L. (1974). "Ganj Dareh Tepe". *Paléorient* 2, (1): pp. 207-209.
- Smith, P. E. L. (1976). "Reflections on four seasons of excavations at Tappeh Ganj Dareh". Bagherzadeh, F. (eds.), pp. 11-20. *Proceedings of the IVth Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, Iranian Center for Archaeological Research, Tehran.
- Smith, P. E. L. (1978). "An Interim Report on Ganj Dareh Tepe, Iran". *American Journal of Archaeology* 82 (4): pp. 537-540.
- Tsuneki, A. & Mirzaye, A. (2012). *The Arsanjan Project, 2011*. Research Center of the Iranian Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization and University of Tsukuba, Tsukuba.
- Tsuneki, A. & Zeidi, M. (2008). "Excavation at TB75 (Haji Bahrami Cave)". Tsuneki, A. and Zeidi, M. (eds.), pp. 43-67. *Tangh-e Bolaghi: The Iran- Japan Archaeological Project for the Sivand Dam Salvage Area*. Al- Shark 3. University of Tsukuba Studies for West Asian Archaeology, Tsukuba.
- Zidi, M., Riehl, S., Napierala, H., & Conard, N. (2012). "Chogha Golan: A PPN Site in the Foothills of the Zagros Mountains, Ilam Province, Iran (Report on the First Season of Excavation in 2009)". Matthews, R. & Curtis, J. (eds.), with the collaboration Of Michael Seymour, Alexandra Fletcher, Alison Gascoigne, Claudia Glatz, St John Simpson, Helen Taylor, Jonathan Tubb and Rupert Chapman, pp. 259-275. *Proceedings of the 7th International Congress on the Ancient Near East, April, 12th – 16th 2010, the British Museum and UCL, Volume 3: Fieldwork & Recent Research Posters*, Harrassowitz Verlag, Wisbaden, London.